ماندگار

روزنامۀ صبح افغانستان

چاپ همزمان: کابل – هرات

پخش همزمان: بلخ، پروان، پنجشیر، میدان وردگ و کاپیسا

www.mandegardaily.com

سال هشتم ❁ شمارۀ ۱۹۳۶ ❁ چهارشنبه ۱۵ جدی/دی ۱۳۹۵ ❁ ۵ ربیع الثانی ۱۴۳۸ ❁ ۴ جنوری ۲۰۱۷

نیچه

روحِ والا به خویشتن احترام می گذارد.

به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 – 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتواند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.

عزیزی بانک
Azizi Bank

www.azizibank.af

1515

د ننګرهار کاریګر وایي د افغانیو پر ځای په کالدارو معاش ورکول کېږي

صفحه ۳

شب‌های پُر از غفلت و مهمانی در کابل

صفحه ۲

وزیر تجارت و صنایع:

واردات افغانستان از پاکستان به نصف کاهش یافته است

به گفتۀ وزیر تجارت و صنایع: "ما تلاش داریم تا توازن واردات و صادرات خود با کشورهای همسایه را مساوی بسازیم. در سال گذشته، واردات افغانستان با پاکستان ۹۰۰ میلیون دالر و صادرات ما ۶۰۰ میلیون دالر بود که در سالهای پیش این رقم صادرات و واردات به دو میلیارد دالر میرسید

صفحه ۳

استراتیژی چهار سالۀ امنیتی تصویب شد

نهادهای امنیتی:

سال پیش‌رو بهتر خواهد بود

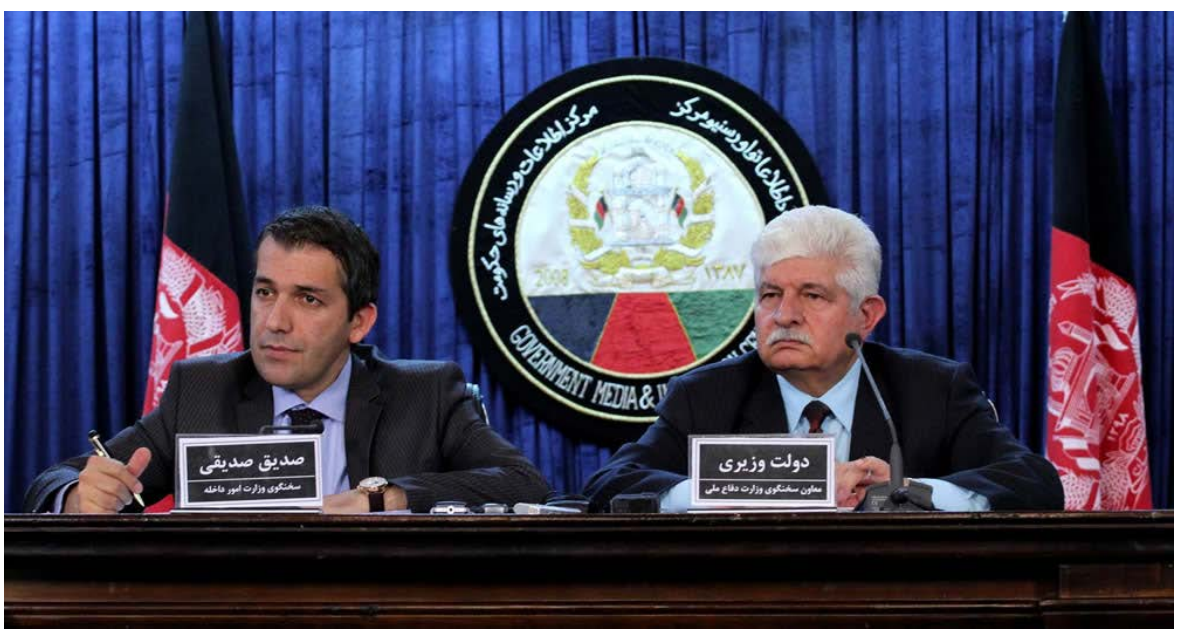

صفحه ۳

نمی‌خواهم نام‌تان «رییس‌جمهور آب‌فروش» ثبتِ تاریخ گردد!

صفحه ۳

افغانستان در خطر سوریه شدن

صفحه ۲

سخن ماندگار

شب‌های پُر از غفلت و مهمانی در کابل

ایـن روزهـا شـهرِ کابـل شـاهد نشسـت‌ها و مهمانی‌های سیاسـی فـراوان اَسـت و هیـچ شـبی نیسـت کـه کوچـه و خیابانَـی در پایتخـت از تجمـع موترهـای گران‌قیمـتِ مدعویـنِ ایـن جلسـاتِ به‌اصطـلاح سرنوشت‌سـاز بنـد و مسـدوَد نگـردد. هرچنـد موضـوعِ همـهٔ ایـن دیـد و وادیدهـا، بررسـی اوضاعِ حسـاسِ سَیاسـیِ افغانسـتان و اتخـاذ تصامیـم نیکـو خوَانـده می‌شـود؛ اما آنچـه از نظر شـهروندانِ آگاه در این نشسـت‌ها محلی از اعراب ندارد، توجـه بـه اَوضـاعِ سیاسـیِ خطیـرِ کشـور و برون‌رفت از تشـتت‌ها و ریخت‌وپاش‌هَـای جَـاری در نظـام اسـت. وقتـی بـه عکس‌هـای منتشرشـده از ایـن جلسـات و خروجی‌هـای بی‌محتـوا و فیسـبوکیِ آن دقـت کنیـم، ایـن جملـهٔ درشـت بـه اذهـان متبادرَ می‌شـود کـه: ارگ گردانندهٔ اصلـی امـا به‌ظاهر غایـبِ این ضیافت‌هاسـت! مسـلماً بندوبسـت‌های سیاسـی‌یی کـه ایـن روزهـا در فضـای آلـودهٔ سیاسـتِ کشـور رخ‌نمـا شـده، بی‌ارتبـاط بـا علایـق و دغدغه‌هـای ارگ ریاسـت‌جمهوری به‌ویـژه اتـاقِ فکـرِ این نهاد نیسـت؛ همان اتاقی که برای رسـیدن بـه اَهـدافِ سـنگین، خـود را با پهلوانـانِ میدان سیاسـتِ کشـور در تقابـل می‌بینـد و چاره‌یـی جـز درهم‌انداختـنِ آن‌ها در پوشـشِ دوسـتی و ائتلاف و سـربازگیری ندارد. یعنـی در یک‌سَـو ارگ و تیـم پُر از نقشـه و حیله‌اش قرار دارد و در سـوی دیگر، قطـارَی از پهلوانانِ ناراضی میدانِ سیاسـت که جـز راضی سـاختنِ خویش، برنامـهٔ دیگریَ در کـف نداشـته و نـدارد. این‌جَاسـت کـه می‌تـوان بـر ایـن بـازهٔ زمانـیِ آغـاز یافتـه، «شـب‌های پُـر از غفلـت و مهمانـی در کابَـل» نـام گذاشـت و بـه پهلوانـان میـدان سیاسـت فرمـانِ بیدارباش صـادر کرد!

اگـر از چالش‌هَـا و خطراتی کـه از بیرونِ افغانسـتان ما را تهدیـد می‌کننـد بگذریم؛ مسـلماً دسیسـه‌ها و مشـکلاتی کـه از درونِ کشـور مـا را بـا تهدیـد و خطـرِ زوال ـ و یـا دسـتکَم گوشه‌نشـینی در میـدانِ سیاسـتَ ـ روبـه‌رو می‌کننـد، اوضـاعِ کامـلاً حسـاسَ و اضطراری‌یـی را به‌وجـود آورده کَـه اگر پهلوانانِ سیاسـیِ مـا نتوانند آن را دریابند، همه در بسـترِ آن محوَ و مغشـوَش خواهند شـد. سیاسـت‌مدارانِ مردمـیَ و آن‌هایـی کـه به‌راسـتی از مردم نماینده‌گـی می‌کننـد، بایـد بازی‌هـای بـه‌راه افتـاده در سـطح جهـان و منطقـه و عقبه‌هـا و پژواک‌هـای سیاسـیِ آن را در داخـلِ افغانسـتان بـه فراسـت دریابنـد؛ عقبه‌هـَا و پژواک‌هایـی کـه چـون دام بـر سـر راهِ سیاسـت‌مدارانِ مردمـی پهـن شـده و منتظـرِ فرصت بـرای بلعیـدنِ آن‌هَا نشسـته است.

یقیناً قهـر و نارضایتی‌یـی کـه میـان سیاسـت‌مدارانِ پُرنفـوذ امـا بی‌برنامهٔ مـا برقرار شـده، فرصتِ مناسـبی رَا بـرای ارگ و تیـم خاصش فراهم آورده تا با سَربازگیری و در واقـع شـکارَگری از ایـن و آن جنـاج، صف‌بندی‌ها را شـدیدتر و آب را گل‌آلودتـر بسـازد. ارگ که تا دیروز همـهٔ دسـت‌های خشـم و اعتـراض را بـر گریبـانِ خـود می‌دیـد، امـروز بـا مشـاهدهٔ صف‌بندی‌هـای جَدیـد به‌صرافـت افتـاده کـه ایـن وضـع را تـا رسـیدن بـه مرادِ نهایـی مدیریـت کنـد و هـر روز هیمـه و هیزمـی نـو بـر ایـن آتـش بیفکنـد؛ چنان‌که در گوشـهٔ امـن و آرام خود بنشـیند و هـر از گاهـی ریمـوتِ مهمانی‌هـا را کلیدَ بزند و کیـش و ماتـی سـخت را بـر پهلوانـانِ میـدانِ سیاسـت رقـم زند.

بـه بـاور مـا، ایـن برنامـه به‌شـدت روی دسـت اسـت و سرنوشـت محتـوم آن نیـز مـات شـدنِ همـهٔ پهلوان‌های سیاسـیِ بـدون برنَامـه و اسـتراتژی می‌باشـد. امـا اگـر درایـتَ و بصیرتـی در این‌میـان باقـی مانـده و پهلوانانـی هسـتند که بخواهند سرنوشـت را از نو بنویسـند، تنها راه نجـات؛ داشـتن برنامـه و نقشـهٔ راه و توحیـدِ صف‌هـای سیاسـی زیـر یـک چتر اسـت!

احمـد عمران

افغانستان در خطر سوریه شـدن

برخی سران و مقام‌های کشورهای منطقه و جهان و نهادهای بین‌المللی در مورد افغانستان صحبت‌های مأیوس‌کننده داشته اند. این سخنان بدون شک اثرات خود در میان مردم به جا گذاشته و در برخی موارد، اعتماد آن‌ها را در مورد سال آینده به‌شدت تضعیف کرده است. وقتی مقام‌های روسی اعلام می‌کنند که وضعیت امنیتی افغانستان در سال‌های آینده بد خواهد شد، بدون شک چنین پیش‌داوری‌یی می‌تواند اثرهای ناگوار بر روحیه و رفتار مردم به‌جا گذارد. در همین حال، مقام‌های ناتو نیز بارها نسبت به آیندهٔ افغانستان ابراز نگرانی کرده و گفته اند که اگر به وضعیت افغانستان به اندازهٔ کافی توجه نشود، احتمال درگیری‌های بیشتر در این کشور وجود دارد

«سال آینده چگونه سالی خواهد بود؟»

ایـن سـوال از حـالا ذهـنِ بسـیاری‌ها را در افغانسـتان بـه خـود مشـغَول داشـته اسـت. شـماری از نماینـده‌گانِ مـردم در شـورای ملی، سـال آینـده را سـالِ نیکـو نمی‌داننـد و بـه همیـن دلیـل، از حـالَا هشـدار می‌دهنـد کـه دولـت بایـد تمهیـداتِ لازم را بـرای مقابلـه بـا ناامنی‌هـا روی دسـتَ بگیـرد. رییـس مجلـس نماینـده‌گان از طرحـی سـخن می‌گویـد کـه بـر مبنـای آن قـرار اسـت در سـال آینـده، افغانسـتان بـه سـوریهٔ دیگـریِ تبدیـل شـود. این‌کـه چنیـن طرحـی واقعـاً قابـل اجراسـت، جـای امـا و اگـر دارد؛ ولـی نبایـد نسـبت بـه وضعیـتِ کشـور در سـال آینـده چنـدان امیـدوار بـود، آن‌گونـه کـه دولت‌مـردان کشـورِ ابـراز امیـدواری می‌کننـد.

اخیـراً مقام‌هـای ارشـدِ کشـور اعـلام کـرده انـد کـه سـالِ نـو بـرَای افغانسـتان نیکـو خواهـد بـود. البتـه خوش‌بینـیِ مقامـاتِ دولتـی حـرفِ تازه‌یـی نیسـت. اگـر بـه سـخنرانی‌هایِ مقام‌هـای دولتـی طـی چهـار دهـهٔ اخیـر توجـه شـود، همـه در یـک مـورد بـه یکدیگـر شـبیه انـد و آن امیدواری‌شـان نسـبت بـه آینـده اسـت.

تمـام سـرانِ کشـور هـر سـال بـا آغـاز سـالِ نـو اعـلام کَـرده انـد کـه سـال پیـش رو، سـالِ نیکـو و سرشـار از صلـح خواهـد بـود. امـا این‌کـه در عمـل چـه شـده، چیزی‌سـت کـه تاریـخ در مـورد آن قضـاوت کـرده و پـس از این‌هـم قضـاوت خواهـد کـرد. امـا سـوال این‌جاسـت کـه چـرا نماینـده‌گان مـردم در مجلـس چنیـن نسـبت بـه وضـع امنیتـی کشـور در سـال آینـده نگـران انـد؟

بـه نظـر می‌رسـد چنـد عامـل زمینه‌سـازِ چنیـن بدبینی‌هایـی شـده‌اند:

تجربهٔ سال‌های گذشته

بـه نظـر می‌رسـد مهم‌تریـن دلیـلِ شـکل‌گیری بدبینـی نسـبت بـه اوضـاعِ امنیتـی در سـال آینـده، از تجربـهٔ سـال گذشـته نشـأت می‌گیـرد. در سـال گذشـته و سـال روان، افغانسـتان در وضـع بـد امنیتـی قـرار گرفـت؛ آن‌هـم بـه حـدی کـه یکـی از کلان‌شـهرهای کشـور بـه دسـتِ نیروهـای مخالـف سـقوط کـرد و دو ولایـتِ دیگـر در آسـتانهٔ سـقوط قـرار گرفتنـد. تجربـه قنـدوز بـه عنـوان شـهری کـه دو بـار از سـوی نیروهـای مخالـف سـقوط داده شـد، هنـوز بـرای بسـیاری‌ها تکان‌دهنـده و تأسـف‌بار اسـت. رییـس جمهـور غنـی وقتـی در سـال گذشـته ایـن ولایـت بـه دسـتِ نیروهـای مخالـف قـرار گرفـت، در یـکَ سـخنرانی مفصـل اعـلام کـرد کـه تجربـهٔ قنـدوز دیگـر تکـرار نخواهـد شـد؛ زیـرا بـه گفتـهٔ او دولـت از چنیـن تجربه‌یـی درس گرفتـه و ضعـف و قوت‌هـای خـود را بـه انـدازهٔ کافـی سـبک و سـنگین کـرده اسـت. آقـای غنـی گفـت کـه دولـت تصمیـم دارد بـا اجرایـی کـردنِ یـک رشـته اقدام‌هـا، جلـو تکـرار تجربـهٔ قَنـدوز را بگیـرد. امـا در عمـل چـه شـد؟!... در عمـل نه‌تنهـا کـه شـهر قنـدوز یـک بـار دیگـر بـه دسـت نیروهـای مخالـف افتـاد، بَـل بیشـتر از آن، چندیـن ولایـتِ دیگـر نیـز روزهـای بدامنیتـی را پشـتِ سَـر گذاشـتند. هلمنـد و زابـل، دو ولایـتِ در جنـوب کشـور و فـراه و بادغیـس در غـرب کشـور تـا یـک قدمـی سـقوط پیـش رفتنـد.

حـوادث امنیتـیِ سـال روان بـه شـدت اعتمـاد مـردم را نسـبتَ بـه توانایی‌هـا و وعده‌هـای دولـت در تأمیـن امنیـت صدمـه زد و همیـن مسـأله نیـز سـبب می‌شـود کـه قضـاوتِ مـردم در مـورد آینـده چنـدان خوش‌بینانـه نباشـد.

اظهارات مقام‌های کشورهای دیگر

برخـی سـران و مقام‌هـای کشـورهای منطقـه و جهـان و نهادهـای بین‌المللـی در مـورد افغانسـتان صحبت‌هـای مأیوس‌کننـده داشـته انـد. ایـن سـخنان بـدون شـک اثـراتِ خـود در میـان مـردم بـه جـا گذاشـته و درَ برخـی مـوارد، اعتمـاد آن‌هـا را در مـورد سـال آینـده به‌شـدت تضعیـف کـرده اسـت. وقتـی مقام‌هـای روسـی اعـلام می‌کننـد کـه وضعیـت امنیتـیِ افغانسـتان در سـال‌های آینـده بـد خواهـدَ شـد، بـدون شـک چنیـن پیش‌داوری‌یـی می‌توانـد اثرهـای ناگـوار بـر روحیـه و رفتـار مـردم به‌جـا گـذارد. در همیـن حـال، مقام‌هـای ناتـو نیـز بارهـا نسـبت بـه آینـدهٔ افغانسـتان ابـراز نگرانـی کـرده و گفتـه انـد کـه اگـر بـه وضعیـت افغانسـتان بـه انـدازهٔ کافـی توجـه نشـود، احتمـال درگیری‌هـایِ بیشـتر در ایـن کشـور وجـود دارد.

وعده‌های بی‌پشتوانهٔ دولت‌مردان

البتـه در کاهـش اعتمـاد مـردم بـه امنیـت و بهتـر شـدن وضعیـت کشـور، وعده‌هـای بی‌پشـتوانه و گاه میان‌خالـیِ مقام‌هـای ارشـدِ کشـور هـم بی‌تأثیـر نبـودهَ اسـت. از رییـس جمهـوری و مشـاور شـورای امنیـت ملـی آغـاز تـا وزرای داخلـه، دفـاع و امنیـت ملـی، همـواره بـا وعده‌هـای بی‌پشـتوانه مـردم را فریفتـه انـد. آن‌هـا وقتـی از تأمیـن امنیـت در یـک منطقـه سـخن گفتـه انـد، نـه تنهـا در آن‌جـا امنیـت تأمیـن نشـده، بـل خـلافِ وعده‌هـای آن‌هـا اوضـاع امنیتـی بـه وخامـتَ گام گذاشـته اسـت. حـالا مـردم نسـبت بـه وعده‌هـای مقام‌هـای ارشـد کشـور چنـان بی‌اعتمـاد شـده انـد کـه به‌سـاده‌گی حاضـر نیسـتند بـه گفته‌های‌شـان توجـه کننـد.

ایـن عوامـل و شـاید برخـی دیگـر از عوامـل کـه بـه آن‌هـا پرداختـه نشـد، سـبب شـده انـد کـه اعضـای مجلـس نماینـده‌گان از سـوریه‌یی شـدن اوضـاع کشـور هشـدار دهنـد. مسـلماً نبایـد ایـن سـخنان را سـطحی انگاشـت و از کنـار آن‌هـا بـه سـاده‌گی عبـور کـرد.

افغانسـتان متأسـفانه در لبـهٔ پرتـگاه قـرار دارد و هـرآن ممکـن اسـت کـه از کنتـرول بیـرون شـود. بـه همیـن دلیـل، بایـد چنیـن هشـدارهایی را جـدی تلقـی کـرد و از حـالا کـه در آغـاز فصـلِ سـرما و کاهـش تحرکاتِ نظامـی قـرار داَریـم، اقدام‌هایـی را روِیَ دسـت گرفـت کـه سـال آینـده را واقعـاً بـه سـالی نیکـو مبـدل کنـد.

هارون مجیدی

استراتیژی چهار سالهٔ امنیتی تصویب شد

نهادهای امنیتی:

سال پیش‌رو بهتر خواهد بود

مسوولان در نهادهای امنیتی می‌گویند که حملات تهاجمی نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان در برابر شورشیان در فصل زمستان، مانند فصل تابستان هم‌چنان ادامه خواهد یافت.

سخنگویان وزارت داخله و دفاع دیروز(سه شنبه، ١٤ جدی) در یک نشست خبری گفتند که فشارها بالای دشمن ادامه می‌یابد تا قدرت تحرک و مانور را در سال آینده نداشته باشند.

صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله در این نشست گفت: در عملیات شفق هدف اساسی از بین بردن هسته‌های شورشیان و افراد کلیدی‌شان خواهد بود.

به گفتهٔ او، این عملیات موفق بوده و اهداف تعین شده از سوی آنان به دست آمده است.

سخنگوی وزارت داخله افزود: "هدف اساسی این است که بالای دشمن فشار وارد شود، دشمن قدرت تحرک و مانور در بهار آینده را نداشته باشد و در ساحاتی که فعالیت دارند، از این ساحات رانده شوند، نتایج خوب بوده و اهدافی که تعین شده به دست آمده است."

عملیات شفق از آغاز سال روان شروع شد و بخش زمستانی آن در اول قوس آغاز و به گفته مسوولان امنیتی تا اخیر سال ادامه می‌یابد.

همه‌ساله در افغانستان، در فصل زمستان عملیات کاهش می‌یابد، اما امسال مسوولان امنیتی افغانستان می‌گویند، اقدامات نظامی علیه شورشیان بیشتر خواهد بود.

پیش از این مجلس نماینده‌گان از ارگان‌های امنیتی و دفاعی این کشور خواسته تا با استفاده از فصل زمستان، عملیات نظامی را با دقت کامل سرعت بخشند .

محمد رادمنش، معاون سخنگوی وزارت دفاع افغانستان نیز گفت که ٢١ عملیات در ١٨ ولایت این کشور در برنامه است.

آقای رادمنش، سال آینده را از نظر امنیتی، سال بهتر پیش‌بینی کرده و گفت: محلاتی که به‌نام آموزش و پرورش و تبلیغات دارند باید از بین برده شود و همین عملیات شفق ٢ به همین منظور در زمستان امسال ادامه دارد و سال آینده را پیش بینی می‌کنیم که سال بهتر خواهد بود.

در این حال، دفتر رسانه‌های ریاست‌جمهوری با پخش خبرنامه‌یی نوشته است که در نشست شورای امنیت استراتژی چهارسالهٔ امنیتی مورد تایید قرار گرفت.

استراتژی چهارسالهٔ امنیتی درحالی تأیید شد که نظامیان کشور افغانستان در شبانه‌روز گذشته، در ١٣ ولایت افغانستان، عملیات‌های تلافی‌جویانه را علیه گروه‌های شورشی انجام داده‌اند.

جلسه وزرای بخش‌های دفاعی و امنیتی در مورد وضعیت امنیتی کشور افغانستان به‌ویژه ولایات هلمند، ننگرهار، ارزگان، فراه، قندهار، غور، فاریاب، بادغیس و قندوز برگزار شد.

در این جلسه، رییس‌جمهور افغانستان بعد از بررسی همه‌جانبهٔ وضعیت امنیتی کشور افغانستان، ضمن ستایش از تلاش‌های هدف‌مند نیروهای دفاعی و امنیتی این کشور در راستای جلوگیری از بروز تهدیدات تروریستی دشمنان افغانستان، به ارگان‌های ذیربط دستورات لازم صادر نمود.

هم‌زمان با این، در بخش‌های از افغانستان عملیات تازه برای سرکوب گروه طالبان عملی شده است.

شیرجان درانی، سخنگوی پولیس بلخ می‌گوید: عملیات نوید ٢٨ به هدف پاکسازی ولسوالی چمتال از وجود طالبان آغاز گردیده است.

به گفتهٔ آقای درانی در این عملیات نظامی نیروهای مشترک امنیتی اشتراک دارند.

سخنگوی پولیس بلخ گفته است: نیروهای امنیتی تاهنوز پیشروی خوبی داشته و تا زمانی این عملیات ادامه دارد که تمامی ساحات آسیب‌پذیر از وجود مخالفان مسلح دولت پاکسازی گردد.

قابل ذکر است که بلخ از ولایت‌های نسبتاً امن است اما با انهم در بعضی از حالات شاهد تحرکات مخالفان مسلح دولت در مربوطات این ولایت دیده شده است.

در این حال، مقام‌های محلی ولایت لوگر می‌گویند که ١٨ هراس افگن در درگیری با نیروهای امنیتی در این ولایت کشته شدند.

سلیم صالح، سخنگوی والی لوگر می‌گوید که این درگیری در ولسوالی چرخ این ولایت صورت گرفته بود که در نتیجهٔ آن ١٨ هراس‌افگن به شمول ملا وزیری، یکی از فرمانده‌هان آنان کشته شدند. او می‌افزاید که در این درگیری چرخبال‌ها نیز نقش داشتند.

نجات ولسوالی المار

مقام‌های امنیتی و محلی در فاریاب می‌گویند که نیروهای امنیتی و مردمی ولسوالی المار را از محاصره نجات داده؛ اما از بهر جلوگیری از تلفات عقب‌نشینی تکتیکی کرده‌اند و فعلاً جنگ در منطقهٔ چغاتک ادامه دارد.

به گزارش رسانه‌ها، سمونوال میر امان‌الله ظافر، آمر امنیت قوماندانی امنیه فاریاب گفت که به‌خاطر جلوگیری از تلفات نیروهای امنیتی در قره‌غویلی، پرسونل سه پوسته را در مناطق دیگر المار جابه‌جا کرده‌اند.

ظافر افزود که صدها طالب به شمول اتباع خارجی، در ولسوالی المار بالای نیروهای امنیتی در ساحات مختلف حمله کردند؛ اما هلیکوپترها آنان را در منطقهٔ قره‌غویلی و چغاتک زیر آتش قرار داد و تلفات سنگین بر دشمن وارد گردید.

عبدالمنان قاطع، عضو شورای ولایتی که باشندهٔ ولسوالی المار است گفت که مناطق جلگلدی و قره‌غویلی، شام دیروز(دوشنبه) به دست طالبان افتاد و آنان تا یک کیلومتری بازار المار رسیده‌اند.

قاطع گفت که یک سرگروپ نیروهای دولتی به‌نام گل احمد در قره‌غویلی کشته شد و چهارتن از نیروهای دولتی زخم برداشتند.

او افزود که هرچند به طالبان تلفات سنگین وارد شده و در بین کشته شدگان آنان یک شهروند ازبکستانی و یک عرب نیز شامل می‌باشد که جسدشان را در منطقهٔ غارتپه انتقال داده‌اند؛ اما صدها تن از این گروه در ساحه چقاتک، سربند و قریه جات المار تجمع کرده و در برابرنیروهای امنیتی می‌جنگند.

محمد صالح صالح، ولسوال المار گفته است که طی ٢٤ ساعت گذشته، حدود ١٨٠٠ فامیل در منطقهٔ قره غویلی، تمام دار و ندارشان را گذاشته از خانه‌های‌شان بی‌جاشده و فعلاً در قریه‌های مختلف و در زیر بازار المار بدون داشتن لباس گرم، نان و آب با حالت بدی قرار دارند.

او افزود: "ادارهٔ محلی، هیچ‌گونه امکانات در اختیار ندارد تا برای بی‌جاشده‌گان کمک کند؛ از نهادهای دولتی و موسسات کمک کننده نیز تاکنون خبری نیست. کسی به فریاد مردم مظلوم و بی‌جاشده گوش نمی دهد."

او هُشدار داد که اگر دولت و موسسات بین‌المللی، در قسمت جنگ المار و بی‌جاشده‌گان رسیده‌گی نکنند، یک فاجعه بزرگ انسانی رُخ خواهد داد.

د ننګرهار کاریګر وایي د افغانیو پر ځای په کالدارو معاش ورکول کېږي

ننګرهار کې کاریګرو ته د مزدورۍ په بدل کې په کالدارو معاش ورکول کېږي.

یو شمېر کاریګر وایي، په دې ولایت کې غریب کارو کاریګرو لپاره ورځینۍ مزدورۍ نه ده ټاکل شوې او اکثرا خلک په خپل زړه له درې سوو کالدارو نیولې تر پنځه سوو کالدارو د ورځې مزدورۍ ورکوي چې په دې سره د خلکو اقتصادي ستونزې نه حل کېږي.

د سرخرود ولسوالۍ اوسېدونکی غلام ربي چې خپله دی او د ده خپلوان د خبستو په بټیو کې له کلونو کلونو راهیسې کار کوي وایي، د دوی کار درونده دی، خو کومه مزدورۍ چې دوی ته ورکول کېږي په کالدارو ده او د کور اقتصادي ستونزې یې ورسره نه حل کېږي.

دی وایي د همدې کمې مزدورۍ له امله خلک مجبوره شوي چې خپل ځانونه په بټیو کې مصروف کړي أو د عمر لپاره په دې پیسو خپله ګروي نشي خلاصولی:

"پینځه سوه کالدارې مثال د ورځې کار نرخونه دي په دې پیسو د کور مشکل نه حل کېږي نه خپل ماشوم مکتب ته لېږلی شي مور نه یوه سودا په نغدو اخلو دوه په قرضو اخلو ځکه بسنه نه کوي مور نه د وطن په خوند پوه شو نه د ژوند."

په ننګرهار کې د خبښت کارانو او کاریګرو اتحادیې مسؤل انجنیر خلیل وایي یوازې د خښتو بټۍ نه دي بلکې په ټولو برخو کې کاریګر دې ستونزې سره مخ دي.

نومورې وایي، ولایتي اداره باید د غریبکارو ورځنۍ مزدوري په افغانیو وټاکي او پر ټولو کمپنیو، شرکتونو او بټیو دې عملي کړي.

نومورې زیاته کړه:

"مور اول خو د کالدارو موضوع حل کړو ځکه دا افغانستان دی دلته باید افغانۍ وچلېږي کاریګرو ته په کالدارو پیسې ورکوي په هغې باندې د دوی مشکل نه حل کېږي حکومت باید په دوی ټولو باندې دا ومني چې کاریګرو ته حق و زحمه په افغانیو ورکړي نه په کالدارو."

د ننګرهار ولایت ویاند عطالله خوګیانۍ د کاریګرو ستونزه منې او وایي دوی به د کار او ټولنیزو چارو ریاست ته لارښوونه وکړي تر څو د کاریګرو د مزدورۍ په افغانیو رایج کړي او دوی ته ټاکلې اندازه ورځنۍ معاش وټاکي.

نومورې زیاته کړه:

"په خصوصي پوهنتونونو او روغتونونو کې د افغانیو مسئله رایج شوې ده او په دې برخه کې به مور د کار او ټولنیزو چارو ریاست ته دنده وسپارو تر څو هم د کاریګرو د ورځنۍ کار مشخصه اندازه وټاکل شي او هم به پر ټولو جبري کړي چې افغانۍ ورکړي."

که څه هم افغان دولت وایي، په دولتي او غیرې دولتي ادارو کې ګڼو خلکو ته د کار کولو زمینه برابره شوې خو لا هم د نورو ښارونو په څېر د جلال اباد ښار چوکونه هم د کاریګرو نه ډک دي او په ورځو ورځو د کار د پیدا کېدو انتظار باسي.

وزیر تجارت و صنایع:

واردات افغانستان از پاکستان به نصف کاهش یافته است

حمدالله نورستانی

وزیر تجارت و صنایع کشور با بیان اینکه روند سرمایه گذاری و کاروبار در سال جاری بهبود یافته است، میگوید: صادرات افغانستان در سال جاری نه درصد افزایش داشته است و این درحالی است که دو سال قبل، این رقم سه درصد بود.

همایون رسا، وزیر تجارت و صنایع که دیروز (سهشنبه، ١٤ جدی) در دومین نشست افغانستان و ازبکستان سخن میگفت، افزود که میزان واردات به کشور نیز امسال از ٩٧ درصد به ٨٨ درصد کاهش یافته که از این مجرا، ٢,٥ میلیون دالر عاید به خزانهٔ افغانستان واریز شده است.

آقای رسا میگوید که ادغام ادارهٔ جوازدهی آیسا با وزارت تجارت و صنایع سبب سهولت در روند جوازدهی شده است که به گونهٔ نمونه، میتوان از ثبت ١٥٠٠ تشبث جدید و تمدید ٤٥٠٠ جواز تشبثی یاد کرد.

او گفت: افتتاح خط آهن ترانزیتی افغانستان–فزاقستان به واردات کشور کمک کرده است، به گونهیی که کالاهای تجارتی از کشور چین در مدت نُه روز به افغانسان میرسد، درحالی که در گذشته واردات کالاهای کشور چین سه ماه زمان در بر میگرفت.

به گفتهٔ وزیر تجارت و صنایع: "ما تلاش داریم تا توازن واردات و صادرات خود با کشورهای همسایه را مساوی بسازیم. در سال گذشته، واردات افغانستان با پاکستان ٩٠٠ میلیون دالر و صادرات ما ٦٠٠ میلیون دالر بود که در سالهای پیش این رقم صادرات و واردات به دو میلیارد دالر میرسید."

آقای رسا تصریح کرد: عضویت افغانستان در سازمان تجارت جهانی زمینه را فراهم کرد تا ما با بازارهای جهانی ارتباط برقرار کنیم که اینکار سبب بیشتر شدن تولیدات داخلی، کاهش وارداتَ و افزایش صادرات افغانستان گردیده است.

وزیر تجارت و صنایع خاطرنشان ساخت: "ما روی یک موافقتنامهٔ ترانزیتی دوجانبه با ازبکستان کار میکنیم که بعد از جانهزنی و امضای آن مشکلاتِ صادرات افغانستان از طریق خط آهن ازبکستان نیز حل خواهد گردید."

بیژن عبدالکریمی، نویسندهٔ ایرانی

بخش سوم و پایانی

موانع بایدی

هایدگر همچنین، بزرگ‌ترین خطر دوران ما را ـ خطری که از نظر وی زیان‌بارتر از انفجار سلاح‌های هسته‌یی است ـ در این می‌داند که بشر سایر امکانات، سایر راه‌ها، سایر شیوه‌های زیست و نحوه‌های بودنِ گوناگون خویش را از یاد برده است. تفکر هایدگر رسالت عظیمی را بر عهده گرفته است. این تفکر خواهان است که نحوه‌های دیگر بودن و شیوهٔ دیگری از تفکر را که از یاد و خاطرهٔ بشر زدوده شده است، به یاد آورد.

اما آن‌چنان که به نظر می‌رسد و آن‌چنان که ما کم‌وبیش می‌دانیم، هیچ یک از مترجمان بزرگوار فارسی‌زبان متن وجود و زمان، وجود امکان دیگری، غیر از امکان تفکر متافیزیکی را برای تفکر به رسمیت نشناخته، یا اساساً تصور روشنی از آن ندارند، یا لااقل ما نشانه‌هایی از این تصور روشن را در آثار و گفته‌های‌شان سراغ نداریم.

به تعبیر ساده‌تر، به باور من، فهم و تجربهٔ تفکر هایدگر ـ البته نه به نحو مطلق ـ مشروط به تجربهٔ امکان دیگری از تفکر، غیر از تفکر متافیزیکی است و تعبیر دیگرِ این سخن این است که آنان که با سنَت‌های تاریخی غیرمتافیزیکی ـ از جمله سنت تاریخی، حکمی و معنوی خودمان یا سنت تفکر هندی یا خاور دور آشنایی دارند ـ به نحو راحت‌تری به فهم تفکر هایدگر نایل می‌شوند تا آن دسته از مترجمان یا روشن‌فکرانی که اساساً هیچ پیوندی با سنت‌های تاریخی غیرمتافیزیکی ندارند. به همین دلیل است که هایدگر در میان متفکران هندی، جاپانی و ایرانی از استقبال بیشتری برخوردار می‌شود تا خود جوامع غربی.

به همین دلیل، آنان که با سنت‌های فکری غیرمتافیزیکی و با امکانات دیگر تفکر آشنایی ندارند، به نحوی توتالیتر و تمامیت‌خواهانه با هایدگر و با تفکر و آثار وی برخورد می‌کنند، یعنی می‌کوشند نحوهٔ تفکر او را به زبان و تفکر متافیزیکی بازگردانند (حال را به قال تبدیل کنند) و این غیرممکن است.

به تعبیر دیگر، تنها کسانی می‌توانند به فهم هایدگر و ترجمهٔ اصیلی از آثار او نایل شوند که از نحوهٔ تفکر تاریخی، به معنای عمیق کلمه برخودار باشند. لذا کسانی که در پارادایم تفکر سوبژکتیویستی

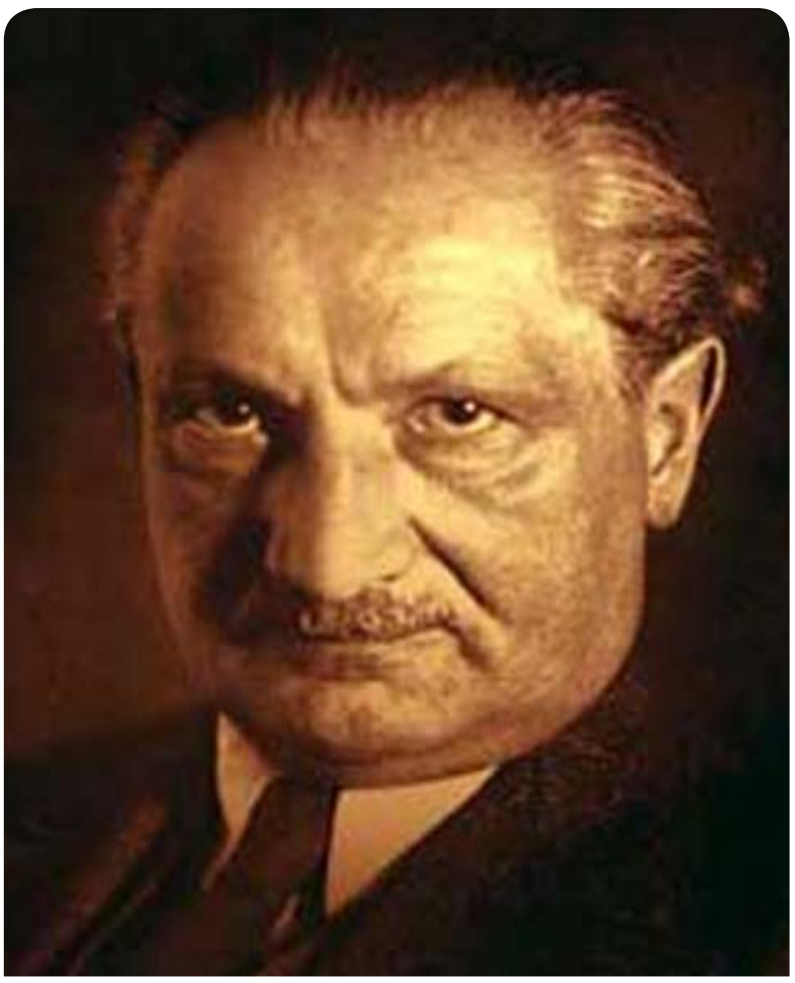

دکارتی ـ کانتی می اندیشند، به دلیل فقدان نگرش غیرتاریخی از درک تفکر هایدگر ناتوان‌اند. حتا مارکسیست‌ها و نوچپ‌ها، با وجود ادعای هگلی بودن و با وجود برخورداری از نگرش تاریخی در حوزهٔ مسایل اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی، نمی‌توانند وجود نظام‌های اپیستمیک غیرمتافیزیکی را به رسمیت بشناسند و به این اعتبار از وصفی توتالیتر برخوردار اند.

این سوبژکتیویسم متافیزیکی و تفکر دکارتی ـ کانتی همان چیزی است که همهٔ ما، از جمله مترجمان ایرانیِ محترم وجود و زمان، خواسته یا ناخَواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه و بیشتر ناخواسته و ناآگاهانه، اسیر آنیم.

نکتهٔ دیگر این‌که مترجم باید در تفکر متفکر و صاحب متن خانه کرده باشد. هایدگر در مقالهٔ «در راه زبان» می‌گوید: «در زبان، گوش سپردن به سخن گفتن خود زبان» و نه به واژه‌گان. به تعبیر ساده‌تر، از نظر هایدگر، این زبان اصیل و خاموش متن و نه واژه‌گان است که زبان گفتار را امکان‌پذیر می‌کند.

از نظر هایدگر، زبان افقی برای انکشاف معناست، اما ترجمه گاه نمی‌تواند این افق را فراهم کرده، بلکه خود مانع و حجابی نیز برای فهم متن ایجاد می‌کند. ترجمهٔ متن متفکر نیازمند طی طریق با متفکر و قرار گرفتن در مسیر تفکر اوست و بیشتر اوقات متن در برابر تصاحب شدن توسط خواننده و مترجم مقاومت می‌کند و به سهولت به تسلیم شدن تن نمی‌دهد.

خود هایدگر از «زبانی اصلی»، یعنی از زبانی غیر از زبان گفتاری، سخن می‌گوید: «سخن گفتن، گوش دادن به زبان است که آن را در سخن می‌گوییم.» هایدگر اسم چیزی را که به آن گوش می‌سپاریم، «زبان اصلی» یا «ذات زبان» می‌نامد.

هایدگر از گشتل برای توصیف جهانی که در آن زبان و سخن گفتن، صرفاً تبادل اطلاعات است، استفاده می‌کند. سخن گفتن هم‌چون تبادل مرتب و منظم اطلاعات با پروژهٔ زبان صوری که فیلسوفان و منطق‌دانان در نیمهٔ نخست قرن ۲۰ برعهده گرفتند، مهیا شد.

در این راستا زبان معمول و متداول در چارچوب طرح‌های ممکن زبان صوری، شفاف و بی‌ابهام قرار داده می‌شود. پروژهٔ صوری کردن زبان رایج و متعارف، به مرتب کردن و سامان دادن زبان منجر می‌شود و معین کردن حدود و چارچوب‌های آن در جهت کارکرد اطلاع‌رسانی.

در مقابل این رویکرد به زبان، هایدگر ایستاده‌گی می‌کند. هایدگر در نظر داشت تا دریافتش از زبان را به جای مفهوم و تصویر سنتی از زبان، که در تصویر ارسطویی از زبان نمایان است، جایگزین کند.

طبق تصویر سنتی از زبان، هر کلمه یک معنی دارد و هر معنی یک تصویر یا مفهوم درونی یا ذهنی است. در نگرش ارسطویی، هدف از نشانه‌ها و نمادهای زبانی، ارتباط دادن معانی با دیگری است. این نگاه به زبان، آن را هم‌چون یک ابزار صرف برای تبدیل معنی و تغییر شکل معنی، محدود می‌کند. در نگرش ارسطویی به زبان، نشانه‌ها به خودی خود، هم‌چون اموری مرده و بی‌جان ملاحظه می‌شوند و از این‌رو سخن گفتن، زنده‌گی بخشیدن و معنی دادن به نمادهای بی‌جان و مرده به نظر می‌رسد.

اما هایدگر می‌کوشد تا نشان دهد در این تلقی از زبان، سبب پراکنده‌گی، گسسته‌گی و تکه تکه شدن، حضوری است که مرکزش را گم کرده است. یعنی در تلقی متافیزیکی رایج از زبان، لوگوس یعنی جان زبان، نادیده گرفته شده، زبان بی‌ذات می‌شود، درست همان‌گونه که در تاریخ متافیزیک و در منطق با تبدیل حقیقت/ الثیا به صدق منطقی، ذات حقیقت زدوده شده، حقیقت ذات‌زدایی می‌شود و این بیان دیگری از نهیلیسم است.

در ترجمه‌های فارسی کتاب وجود و زمان نیز این مرکز گم است. به بیان ساده‌تر، ترجمه‌های فارسی از وجود و زمان در سطح واژه‌گان باقی مانده، نتوانسته‌اند به پس واژه‌گان رسوخ نمی‌کنند، چون از اساس به وجود چیزی در پس واژه‌گان قایل نیستند. شاید افراطی و مبالغه‌آمیز نباشد که ما ترجمه‌های فارسی وجود و زمان را ترجمه‌های نهیلیستی از اثری بدانیم که خواهان گذر از نهیلیسم است، چرا که مترجمان محترم آن از اساس، افقی ممکن برای گذر از نهیلیسم را نمی‌پذیرند و از اساس، وجود چنین افقی را انکار می‌کنند.

منبع:
www.sharghnewspaper.com

بخش سوم

اخلاقِ زیست محیطی

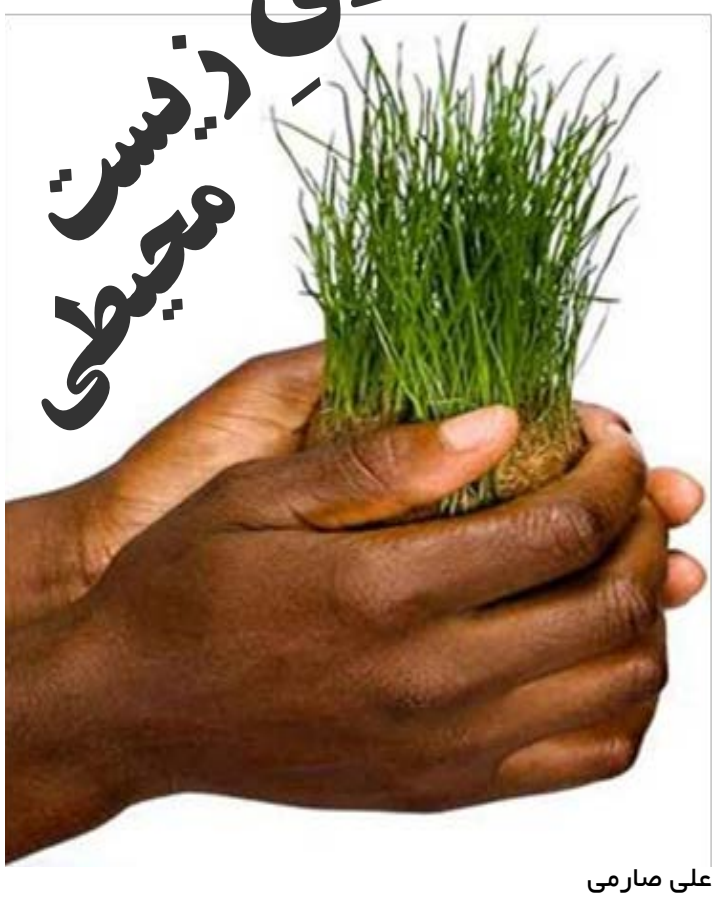

علی صارمی

اخلاق زیست‌محیطی ایجاب می‌کند که ما نیز تعهدات اخلاقی خود را در جهت رویارویی با این نگرانی‌های زیست‌محیطی تنظیم، و شاخک‌های حسی وجدان‌مان را بدین سمت‌وسو حساس کنیم. در واقع دو پرسش اساسی که اخلاق زیست‌محیطی باید به آن پاسخ گوید، عبارت اند از: به منظور احترام به محیط زیست، چه وظایفی بر عهدهٔ آحاد نوع بشر است، و چرا؟

پرسش دوم باید ابتدا پاسخ داده شود برای این‌که دریابیم چه وظایفی در قبال محیط زیست داریم. در ابتدا باید بفهمیم که چرا مشکلات زیست‌محیطی وجود دارند. برای مثال، آیا ما الزاماتی برای برخورد با مسایل زیست‌محیطیِ بشر امروز داریم؟ برای زنده‌گی بشر در آینده داریم؟ با به طورِ کلی، آیا نسبت به محیط زیست به خودیِ خود و قطع نظر از منافع بشری، مسوول هستیم و باید کاری بکنیم؟

فلاسفهٔ مختلف پاسخ‌های کاملاً متفاوتی به این پرسش بنیادین داده اند که همچنان که در ادامهٔ این مطلب خواهیم دید که ما را به دیدگاه‌های کاملاً متفاوتی در حوزهٔ اخلاق زیست‌محیطی هدایت می‌کنند.

بر اساس مطالب پیش‌گفته، شاید اساسی‌ترین پرسشی که در موضوع یک اخلاق ویژهٔ زیست‌محیطی باید بپرسیم، این است که چه وظایفی در ارتباط با محیط زیست طبیعی بر دوش ماست؟ اگر پاسخ ما به ساده‌گی این باشد که ما به عنوان نوع بشر اگر وظایف خود را در برابر طبیعت به انجام نرسانیم، نابود خواهیم شد؛ در این صورت نگاه ما به اخلاق، انسان‌مدارانه خواهد بود. ما واژهٔ (انسان‌مداری) را در برابر Anthropocentrism می‌گذاریم که از لحاظ تحت‌اللفظی هم، همین بار معنایی را دارد و بر تمرکز اندیشه حول انسان ناظر است و اتفاقاً به گمان گروهی از فلاسفه، مفهوم اخلاق به جهات زیادی باید بر همین اساس انسان‌مدارانه باشد. از این‌ها گذشته، تا آن‌جا که ما می دانیم، فقط نوع بشر است که دارای قدرت استدلال و استنتاج است و به همین لحاظ در تمام مباحث اخلاقی، صبغهٔ نوعی انسان‌محوری دیده می‌شود. با این همه، در درون مباحث اخلاق زیست‌محیطی، انسان‌مداری مفهومی فراتر از این دارد. این مفهوم به چهارچوبی اخلاقی اشارت دارد که منزلت اخلاق را به نوع بشر منتسب دانسته است. بدین ترتیب، یک ساختار اخلاقی انسان‌مدار بر این باور است که فقط نوع بشر است که در حقوق خود اخلاق زیست‌محیطی را دارا است. بدین معنی که کلیهٔ الزامات اخلاقی صرف که ما دارا هستیم، از جمله آن الزاماتی که به محیط زیست راجع است، فقط به ما آدمیان تعلق دارد و لا غیر. در حالی که تاریخ فلسفهٔ غرب زیر نفوذ این نوع انسان‌مداری است، و بسیاری از صاحبان تفکر در اخلاق زیست‌محیطی، به آن حمله کرده اند.

این متفکران بر آن اند که اخلاق باید به فراتر از انسان گسترش یابد و دنیای طبیعیِ غیربشری را نیز دربرگیرد. گروهی دیگر معتقد اند که این گسترش باید حیواناتِ دارای حس را شامل شود و گروهی دیگر می‌گویند که این معناً بایستی ارگانیسم‌های منفرد و حتا موجوداتِ کلی مثل رودها و اکوسیستم‌ها را دربر گیرد.

معمارِ خودی

گلگشتی در کوچه‌های اندیشهٔ اقبال

عبدالحفیظ منصور

بخش نخست

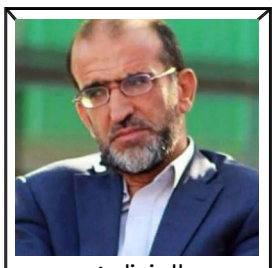

اقبال (۱۳۱۷-۱۲۵۶م) نزد فیلسوفان، یک فیلسوف است. از نظر سیاست‌مداران به‌خاطر نقش بارزی که در تأسیس پاکستان ایفا کرد، سیاست‌مداری زبردست است. وقتی به "بازسازی اندیشهٔ دینی در اسلام" نگاه می‌شود، اقبال پس از شاه ولی‌الله دهلوی در هند، مهم‌ترین مصلح دینی شمرده می‌شود. اشعار ناب و درخشان اقبال، او را در صف اول شاعران انقلابی جهان جا داده است و آن‌گاه که از تفکر و نواندیشی سخن می‌رود، امیر شکیب ارسلان، علامه اقبال را در هزار سال پسین تاریخ اسلامی، فردی بی‌همتا می‌خواند؛ اما اقبال پیام خود را "یک چمن گل، یک نیستان ناله، یک خمخانه می" توصیف می‌دارد.

اقبال در حیات خویش به‌سان هر انسان دیگری دچار تحولات فکری بود. از کودکی به بلوغ رفته و از خامی به پختگی گام نهاده است. او از زندگی زاهدانه آغاز می‌کند، در رشتهٔ حقوق آموزش می‌بیند و با فراز و فرودهای خرد در فلسفهٔ غرب آشنا می‌شود و در پایان، در بحر بی‌کران عرفان اسلامی غوطه‌ور می‌گردد؛ همانند امام غزالی. به نظر نویسنده، اقبال کامل، همانی است که دانش غرب را آموخته و عرفان شرق را آزموده است. برهمن زاده‌یی است که فرنگ را دیده، با هگل آشناست، از سنایی نکته‌ها آموخته با مولوی پیوندها دارد، عقل را با عشق درآمیخته و فلسفه را از قالب شعر بیرون داده است. عشق و عرفان، دیدهٔ عقلش را خیره نکرده، بل در عین عاشقی چنان عنان عقل در کف دارد که نقدهایش در پیوند با غرب شگفت‌آور است.

فهم و درک مضمون نو، از هر زبانی تأمل و دقت می‌طلبد. هرگاه این سخن دارای رنگ و لعاب فلسفی باشد، فهمش دشوارتر می‌شود و زمانی که یک فیلسوف بخواهد حرفش را در قالب شعر بیان بدارد، دشواری بر دشواری افزوده می‌آید. سخن اقبال در "اسرار و رموز" از همین قماش است.

در این نبشته، به سراغ نواندیشی‌های اقبال می‌رویم و به سخن ابوالحسن ندوی از "شگفتی‌های اندیشهٔ اقبال" می‌گوییم و در پس‌کوچه‌های اندیشهٔ اقبال، گشتی می‌زنیم و از گلستان او دسته‌گل‌هایی نثار خواننده‌گان می‌کنیم.

خودی

خودی، جان‌مایهٔ اندیشهٔ اقبال است. با شرحی که او از خودی به‌دست می‌دهد، این نظریه معانی بسیاری را در خود جا داده است. انسان‌شناسی، خداشناسی، نسبت انسان با خدا و مسالهٔ سرنوشت انسان، همه در نظریهٔ خودی جا گرفته‌اند.

نظریهٔ خودی اقبال، مبین دیدگاه وحدت‌الوجود نیست؛ زیرا اقبال نظریهٔ وحدت‌الوجود را به نقد می‌کشد و آن را مایهٔ تنبلی، غفلت و کسالت در میان مسلمانان می‌خواند. در مقابل، نظریهٔ خودی به تلاش و کوشش دامنه‌داری انسان را فرا می‌خواند؛ میان انسان و خدا پیوندی برقرار می‌دارد که یکی مخلوق و دیگری خالق است، نه آن‌گونه که در وحدت‌الوجود میان خالق و مخلوق خلط به میان می‌آید و آفریده‌گار به یک ذات مبهم تنزل می‌یابد. در نظریهٔ خودی، قابلیت‌های فوق‌العادهٔ انسان بازگو می‌شود، اما به گونه‌یی که باید انسان خود این پله‌ها را یکی پی دیگری بپیماید، نه آن‌که انسان بدون جهد و تلاش به جایی برسد و با تکیه بر تقدیر و توکل، گره از کار فروبستهٔ خویش بگشاید.

اقبال در یکی از نامه‌های خویش عنوانی نیکلسون، خودی را ایجاد ارزش‌ها، ایده‌آل‌ها و کوشش در راه تحقق آن بیان داشته است. زمانی که اقبال می‌بیند مسلمانان همه گوش‌به‌فرمان اروپایی‌ها شده و همهٔ نگاه‌ها به سوی غرب دوخته شده و از سوی دیگر، شمار کثیری از مسلمانان تن به تقدیر سپرده و انتظار آن را می‌کشند تا از پردهٔ غیب چه برون می‌نهد، او طرح نظریهٔ خودی را درمی‌افگند تا در مسلمانان تحرکی به‌وجود آورد و آن‌ها را از وابسته‌گی برهاند.

اقبال طی نطقی گوید: کسی که بخواهد محیط نامطلوبی را تغییر دهد، ناگزیر است وجود ذهنی و محیط درونی خویش را تغییر دهد. خداوند وضع هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر این‌که خودشان ابتکار تغییر و تبدیل را در دست گیرند و در سایهٔ ایده‌آل معینی محیط فعالیت‌شان را روشن و منور سازند. بدون ایمان راسخ به استقلال فکر، هیچ عمل و اقدامی انجام‌پذیر نیست. به باور او، از طرف هیچ کس و هیچ مقامی، انتظار چیزی را نباید داشت:

رزق خویش از نعمت دیگر مجو
موج آب از چشمهٔ خاور مجو
ای خنک آن تشنه اندر آفتاب
می نخواهد از خضر یک جام آب.

و همان‌طور:

خود فرود آ از شتر مثل عمر
الحذر از منت غیر از الحذر.

به سخن اقبال، خودی خودتان را فقط در نهاد خویش متمرکز کنید و اگر بخواهید، آمال و آرزوهای خودتان را تحقق دهید، باید گل کوزهٔ‌تان را به‌دست خودتان تهیه بدارید. همه چیز در درون خودتان است، به خود باور کنید:

منکر حق نزد ملا کافر است
منکر خود نزد من کافرتر است.

و یا:

فارغ از اندیشهٔ اغیار شو
قوت خوابیدهٔ بیدار شو
سنگ چون برخود گمان شیشه کرد
شیشه گردید و شکستن پیشه کرد.

شعلهٔ حیات را نمی‌توان از دیگران به عاریت گرفت، این شعله باید از درون معبد روح هر فردی برافروخته گردد. هرچه می‌خواهی از خود بخواه و از خاک خود آتش طلب کن:

ز خاک خویش طلب آتشی که پیدا نیست
تجلی دگری در خور تماشا نیست.

و از طریق زانو زدن بر آستان مرد کاملی، مشت خاک خویش را به کیمیای احمر تبدیل کن:

کیمیا پیدا کن از مشت گلی
بوسه زن بر آستان کاملی.

محمد بقایی ماکان، از اقبال‌شناسان نام‌آشنا دربارهٔ اندیشهٔ خودی اقبال می‌نویسد:

«فلسفهٔ اقبال آمیزه‌یی است از عقیدهٔ هگل در مورد آیده‌الیسم، نظریهٔ فیخته در مورد "من"، عقیدهٔ نیچه در مورد "ابرانسان" و بینش هندوییسم در مورد "تحری حقیقت" ، عرفان پویا و واقع‌نگر مولوی و بالاخره دیدگاهی که قرآن در مورد جاودانه‌گی "من" آدمی بیان داشته است. اقبال همهٔ این اندیشه را در چرخش ذهن خود درآمیخته و عصارهٔ خاص خود را از آن‌ها پدید آورده که به فلسفهٔ خودی شهرت یافته است:

پیکر هستی ز آثار خودی است
هر چه می‌بینی ز اسرار خودی است
چون حیات عالم از زور خودی است
پس به قدر استواری زنده‌گی است
قطره چون حرف خودی از بر کند

هستی بی‌مایه را گوهر کند
باده از ضعف خودی بی‌پیکر است
پیکرش منت‌پذیر ساغر است.

خودی از وجود حق مایه می‌گیرد، لذا نیرویی در آن نهفته است که پایانی ندارد:

خودی را از وجود حق وجودی
خودی را از نمود حق، نمودی.

این انسان خودشناس، در جهان پهناور هستی، بی‌رقیب و بی‌همتا است:

قدم بی‌باک‌تر نه در ره زیست
به پهنای جهان غیر تو کس نیست!

خودی از آرزو جان می‌گیرد و اگر می‌خواهی زنده بمانی، آرزوهای خویش را همیشه زنده نگه‌دار:

زنده‌گانی را بقا از مدعاست
کاروانش را درا از مدعاست
آرزو را در دل خود زنده دار
تا نگردد مشت خاک تو مزار
ما ز تخلیق مقاصد زنده ایم
از شعاع آرزو تابنده ایم.

اقبال می‌گوید: نگران مباش و از نبود امکانات هراسی به دل راه مده؛ نفس آرزو ابزار و وسایل را فراهم می‌آورد؛ تو آرزو خلق کن، وسایلش از در می‌رسد:

کبک پا از شوخی رفتار یافت
بلبل از سعی نوا منقار یافت
نی بیرون از نیستان آباد شد
نغمه از زندان او آزاد شد.

اقبال از دیدن وضعیت رقت‌بار مسلمانان، به غصه فرو می‌رود و از تماشای عقده‌های حقارت آن‌ها عذاب می‌کشد و خطاب به آن‌ها در "زبور عجم" سوزناکانه می‌سراید:

بینی جهان را، خود را نبینی
تا چند نادان، غافل نشینی
نور قدیمی، شب را بیفروز
دست کلیمی، در آستینی
بیرون قدم نه از دور آفاق
تو پیش از اینی، تو بیش از اینی
از مرگ ترسی، ای زنده جاوید
مرگ است صیدی، تو در کمینی
جایی که بخشند دیگر نگیرند
آدم بمیرد از بی‌یقینی
صورت‌گری را از من بیاموز
شاید که خود را بازآفرینی.

مقام و منزلتی که انسان در منظومهٔ فکری اقبال دارد، عقیدهٔ جبر و تسلیم شدن به قضا و قدر را پوچ و بی‌معنی کرده است؛ زیرا از دید او، انسان در جایی قرار دارد که وضعش چنین است:

در دشت جنون من، جبرییل زبون صیدی
یزدان به کمند آور ای همت مردانه.

و در بیتی به زبان اردو گوید:

خودی کو کر بلند اتنا که هر تقدیر سی پهلی
خدا خود پوچھی بندی سی بتا تیرا رضا کیاهی.

یعنی خودی خویشتن را چنان در درون خود زنده کن که خدا خود از تو بنده بپرسد رضای تو چیست.

فرمان‌پذیری و استقامت اکسیری دارد که از نظر اقبال، جبر را به اختیار بدل می‌سازد:

در اطاعت کوش ای غفلت شعار
می‌شود از جبر پیدا اختیار
ناکس از فرمان‌پذیری کس شود
آتش ار باشد ز طغیان خس شود
باد را زندان گل خوشبو کند
قید بو را نافهٔ آهو کند.

انسان مورد نظر اقبال، در مقام سازنده‌گی با خدا به گفت‌وگو می‌نشیند و از توانایی‌های خویش داد سخن می‌دهد:

خدا

جهان را ز یک آب و گل آفریدم
تو ایران و تاتار و زنگ آفریدی
من از خاک پولاد ناب آفریدم
تو شمشیر و تیر و تفنگ آفریدی.

انسان

تو شب آفریدی، چراغ آفریدم
سفال آفریدی، ایاغ آفریدم
بیابان و کهسار و راغ، آفریدی
خیابان و گلزار و باغ آفریدم
من آنم که از سنگ آیینه سازم
من آنم که از زهر نوشینه سازم.

خودی از دید اقبال حقیقی است مسلم و موجود، اما با رغبت‌ها، تمایلات و آرزوها رشد می‌یابد و تکامل می‌پذیرد. رشد خودی با جهان رابطهٔ مستحکم دارد؛ از این‌رو خودی نمی‌تواند در حالت غربت و انزوا رشد کند. به سخن دیگر، خودی برای رشد خویش، در هر گامی به پیکار با نوعی بی‌خودی نیاز دارد. این پیکار، خودی را صیقل می‌دهد، فربه‌تر می‌سازد و توانا می‌گرداند.

خودی در گام نخست باید با وضعیت موجود به مبارزه برخیزد و آن را مغلوب سازد که در نتیجهٔ این پیروزی به آزادی می‌رسد. کسب آزادی، ابتدایی‌ترین شرط گام نهادن به سوی خداست. در گام دوم، خودی باید از طریق نگهداری رغبت‌ها، جلوگیری از شهوت، فشار و محرومیت، مقام خلود و جاویدانی را احراز می‌دارد.

نمی‌خواهم نام‌تان «رییس‌جمهور آب‌فروش» ثبتِ تاریخ گردد!

نامه‌یی سرگشـاده به جلالتمآب داکتر محمد اشرفغنی، رییس محترمِ جمهوری اسلامی افغانستان

محترما!

اعمار بند سلما برای مهار آب‌های سرگردانِ هریرود و تولید چهل مگاوات برق، یکی از رویاهای شیرین و تاریخی مردم ما بود. چه بسا که پدرانِ ما که زیستند، انتظار کشیدند و مردند ولی رویای‌شان به حقیقت نپیوست. چشم‌های ما به سوی امواج خروشانِ هریرود دوخته بود که چگونه رقص‌کنان به کشورهایِ همسایه سرازیر می‌شود. ما فقط نظاره می‌کردیم و حسرت می‌خوردیم و در انتظارِ آن بودیم که روزی از لعل و سرجنگلِ غور تا گلرانِ هرات، دشت‌های خاکیِ خویش را سرسبز بسازیم و لقمه‌نانی به کف آریم و به عزت بخوریم. در افکار شیرینِ خود غرق بودیم و می‌گفتیم وقتی این بند اعمار گردد، از نورش نوربارن می‌شویم، می‌دانید چرا؟! چون برق از ما و تولید خودمان بود. اگر به جانب غور حرکت می‌کرد، خانه‌های گلیِ پدران و مادرانِ ما را در غور منور می‌ساخت و اگر به جانب هرات می‌آمد، کلبه‌های فقیرانهٔ هرات را.

بعد از سال‌ها انتظار، رویای ما به حقیقت پیوست. هرچند مدیونِ کارهای حکومتِ گذشته هستیم، اما در حکومت شما و به دستانِ شما افتتاح شد و افتخارش نیز به نام شما رقم خورد. مردم ما دعای‌تان کردند و درودتان گفتند. ما صاحب آب‌های خدادادیِ خود شدیم، طبل شادی کوفتیم، جشن گرفتیم جوانانِ ما به بازارها ریختند و مشعل روشن کردند.

امیدواری ما افزون‌تر شد و باورمند شدیم که بندهای کبگان و تیرپل نیز کارشان آغاز خواهد شد. اما جناب رییس‌جمهور ای‌کاش این‌چنین نمی‌شد و ما در انتظار می‌ماندیم و حسرت می‌خوردیم و می‌مردیم!

هنوز توربین‌های این بند وصل نشده و از برق و سرسبزی خبری نیست که خبرهای ناگوار روح و روانِ ما را می‌آزارد و خواب را بر ما حرام کرده است.

روزی از سروی بستر هریرود برای ساخت شهرک‌های مهاجرنشین می‌شنویم و امروز از مذاکرات بالای آب‌های هریرود با کشورهای همسایه مطلع می‌گردیم.

می‌خواهم از شما بپرسم:

آیا همسایه‌گان محترم ما کدام سند تاریخی سابق با قوانین و میثاق‌های بین‌المللی که دال بر سهم‌دار بودن‌شان باشد، به دست دارند؟

آیا در طول تاریخ که از آب‌های هدر رفتهٔ ما استفاده کردند و سد دوستی را اعمار و صدها هزار هکتار زمین را آبیاری نمودند، دل‌شان به حال مردم فقیر سوخته و ما را شریک دانستند؟

آیا وقتی تمام رودخانه‌هایی که از کشورشان به هریرود منتهی می‌شد را بستند و بهره بردند، ما صدا بلند کردیم؟

آیا هریرود آب کافی و مازاد از نیازمندی‌های ما را دارد؟

آیا خبر ندارید هریرود نیمی از اراضی بستر خویش را هم سرسبز نکرده است؟

اگر به این سوال‌ها کدام جواب منطقی دارید، لطفاً ارایه فرمایید. در غیر آن، امیدهای به‌دست آمدهٔ ما را به خاک یکسان نسازید و اجازه دهید مردم ما از آب‌های خدادادی‌یی که حق مسلم‌شان است، به دور از دغدغه‌های روانی استفاده نمایند.

جناب رییس جمهور، دیگر از امواج خروشان خبری نیست؛ هریرود محتاج خود مانده است، پس محتاج‌ترش نکنید و از هرگونه مذاکرهٔ پیدا و پنهان بالای آب‌های هریرود بپرهیزید؛ زیرا واکنش تند مردمی را در پی خواهد داشت و از محبوبیت‌تان خواهد کاست.

جناب رییس‌جمهور دوست‌تان دارم و نمی‌خواهم به عنوان رییس‌جمهور آب‌فروش نام‌تان ثبت تاریخ کشور گردد!

با احتـــرام

غلام‌فاروق مجروح، نمایندهٔ مردم هرات در پارلمان

روسای فدراسیون‌های فوتبال ولایات:

تاریخ برگزاری انتخابات را تعیین کنید

ابوبکر صدیق

مسوولان فدراسیون فوتبال ولایات کشور خواستار برگزاری سریع انتخابات فدراسیون ملی فوتبال در مرکز و ولایات شدند.

رؤسای فدراسیون فوتبال ولایات کشور دیروز سه شنبه (١٤ جدی) در یک نشست خبری در کابل خواهان برگزاری سریع و اعلام سریع انتخابات فدراسیون‌های فوتبال در مرکز و ولایات کشور شدند.

سید علی اضغر اکبرزاده مربی پیشین تیم ملی فوتبال کشور که در این نشست صحبت می‌کرد، گفت: به اساس اساس‌نامهٔ فدراسیون فوتبال افغانستان و کنفدراسیون فوتبال آسیا، فدراسیون فوتبال کشور مکلف است تا در اخیر سال چهارم مسوولیتش انتخابات شفاف را در فدراسیون‌های فوتبال کشور برگزار کند؛ اما در حال حاضر بیشتر از سه ماه از دورهٔ تعین شده سپری شده ولی هنوز هم مسوولان این فدراسیون تاریخ دقیق انتخابات را اعلام نکرده اند.

آقای اکبرزاده افزود: افغانستان در حال حاضر دو المپیک و چند فدراسیون موازی دارد که از رییس جمهور و مسوولان نهاد المپیکی می‌خواهیم که به این مشکلات به شکل جدی رسیده‌گی لازم کنند .

او گفت: روسای فدراسیون فوتبال ولایات کشور یک قطعه‌نامه را که امضا ۲۲ تن از روسای این فدراسیون‌های، جهت اعلام وقت دقیق انتخابات به فدراسیون ملی فوتبال فرستاده‌اند.

آقای اکبرزاده بیان کرد که انتخابات فدراسیون‌های فوتبال ولایات و مرکز به دلایل نا معلوم به تعویق انداخته شده است و در برخی از ولایات مسوولان شورای ولایتی به شکل مستقیم در کار فدراسیون فوتبال مداخله می‌کنند که باعث نگرانی جدی روسای فدراسیون‌های فوتبال در ولایات شده است.

این مربی پیشین تیم ملی فوتبال افغانستان با بیان این‌که تا برگزاری انتخابات هیچ فردی صلاحیت تعویض وتغیر روسای فوتبال را در ولایات ندارد، افزود: از رییس جمهور و مسوولان فدراسیون ملی فوتبال افغانستان می‌خواهیم که تاریخ برگزاری انتخابات را هرچند زودتر اعلام کنند.

آقای اکبرزاده در ادامهٔ صحبت‌هایش گفت: برخی از اسناد و مدارک را در دست دارد که اختلاس‌های کلانی که پیش از این در فدراسیون فوتبال اتفاق افتاده است را برملا می‌کند.

هم‌چنان، حمیدالله فروتن رییس فدراسیون فوتبال ولایت نیمروز، در این نشست گفت: ما خواهان برگزاری سریع انتخابات در فدراسیون ملی فوتبال و ولایات هستیم.

آقای فروتن افزود: در ولایت نیمروز برخی از اعضای شورای ولایتی به شکل مستقیم در کار فدراسیون فوتبال این ولایت مداخله می‌کنند که باعث نگرانی جدی مسوولان فدراسیون فوتبال در این ولایت شده است.

او گفت: تخیر در برگزاری انتخابات در فدراسیون‌های فوتبال مرکز و ولایات باعث ایجاد سکته‌گی در برگزاری مسابقات میان جوانان ورزش کار شده است.

از سویی هم، احمد ولی گلاب زوی رییس فدراسیون فوتبال ولایت خوست گفت: به‌خاطر حل مشکلات که در فدراسیون‌های فوتبال ولایت ایجاد شده است، باید انتخابات فدراسیون‌های فوتبال برگزار شود.

هم‌چنان،امان فیضی رییس فدراسیون فوتبال ولایت جوزجان نیز در صحبت‌های خواهان برگزاری انتخابات فدراسیون‌های فوتبال در ولایات شد.

آقای فیضی با خوشبینی از کارکرد جوانان ورزشکار به‌ویژه بازی کنان تیم ملی فوتبال کشور گفت: افتخارات بزرگی را تیم ملی فوتبال کشور در سال‌های اخیر به افغانستان آورده است.

او از مسوولان فدراسیون‌های فوتبال و حکومت وحدت ملی خواست تا نهادهای ورزشی را به طرف سمت و سیاست نکشانند.

در همین حال، این نشست با پخش قطعه‌نامهٔ سه ماده‌یی که در آن ۲۲ تن از روسای فدراسیون فوتبال امضا کرده بودند به پایان رسید.

۱فدراسیون‌های فوتبال ولایات کشور خواهان برگزاری انتخابات مطابق اساس نامهٔ فیفا و تعین تاریخ برگزاری فدراسیون فوتبال افغانستان هستند.

۲ طبق تعین اخیرین جنرال اسامبله روسای فدراسیون فوتبال ولایت کشور هیچ فردی صلاحیت تعین و تغییر مسوولان فدراسیون فوتبال را ندارد.

۳ درصورت وارد کردن فشار بیشتر بالای مسوولان فدراسیون فوتبال ولایات تصمیم جدی را اتخاذ می‌کنند.

واکنش مجلس سنا به اظهارات کابلوف:

روسیه در امور افغانستان مداخله نکند

مجلس سنای افغانستان پس از چهار روز از اظهارات نماینده ویژه روسیه، این اظهارات را مداخله آشکار مسکو در امور افغانستان اعلام کرد.

فضل الهادی مسلم‌یار رییس مجلس سنای افغانستان، اظهارات اخیر ضمیر کابلوف نماینده ویژه روسیه در امور افغانستان را مداخله آشکار مسکو در امور این کشور عنوان کرد.

نماینده‌گان مجلس سنا در نشست این مجلس تأکید کردند که روسیه نباید در امور افغانستان مداخله کند.

رییس مجلس سنای افغانستان از روسیه خواست که از وضعیت بد این کشور در راستای جنگ نیابتی با امریکا در افغانستان استفاده نکند.

وی افزود: سخنان کابلوف در ارتباط با افغانستان مداخله آشکار در امور افغانستان است و از دوستان ما انتظار می‌رود که در تنش‌هایشان با امریکا از اوضاع بد افغانستان استفاده نکنند.

این اظهارات درحالی مطرح می‌شود که ضمیر کابلوف حدود چهار روز قبل در گفت‌وگو با خبرگزاری آناتولی با پایگاه‌های نظامی امریکا در افغانستان مخالفت کرده است.

وی ضمن ابراز نگرانی از حضور نیروهای امریکا در افغانستان اعلام کرده بود که ۹ پایگاه نظامی این کشور در افغانستان برای روسیه خطر است.

کابلوف در اظهارات خود گفته بود که صلح در افغانستان با ایجاد شرایطی برقرار خواهد شد در غیر این صورت این کشور نابود می‌شود.

فیسبوک نامه

عبدالاحد هادف

پیامبران دروغین

اگر هیچ برجسته‌گی در اسلام نسبت به بقیه ادیان الهی و بشری سراغ نگیریم، همین کافی است که ختم بعثت انبیأ و پایان دورهٔ وابسته‌گی بشر به هدایات مستقیم آسمانی را اعلان کرد. با این اعلان بود که به بشر پیام داده شد تا سر پای خود بایستد، کار خود را نظم بخشد، دورهٔ رشد و بلوغ خود را تجربه کند و در امر زمین و زنده‌گی از خدا نماینده‌گی کند.

این اعلان در واقع بزرگ‌ترین شهکار و معجزه و یا برجسته‌ترین وجه ممیز اسلام از بقیه ادیان است و نشان می‌دهد که از دید جهان‌بینی اسلام، بشریت منحیث کل، همانند انسان فرد از خود مراحل رشد و تکامل متفاوت داشته است که دوران کودکی آن بسر آمده و وارد مرحلهٔ بلوغ خود شده است که می‌بایست به حال خود گذاشته شود و حاکم سرنوشت خود در روشنایی اصول کلی دین باشد.

انسان فرد زمانی که کودک می‌باشد، نیازمند دستگیری و رعایت و مواظبت دایمی است و از تغذیه گرفته تا تربیه و لباس و مسکن و خواب و سیر و بازی‌اش به همت و توجهٔ بزرگان ضرورت دارد تا به تدریج به سوی مراحل رشد می‌رود و به جایی می‌رسد که خودمختار می‌شود و می‌تواند زنده‌گی خود را تدبیر کند و سرنوشت خود را نظم بخشد. البته کمال ساده‌گی است که از کودک ناتوان توقع داشت تا به نیازمندی‌های خود رسیده‌گی کند، کما این‌که عین حماقت است که انسان در بلوغ خود کودکی کند.

اسلام نقطهٔ وصل دو مرحلهٔ ماقبل و مابعد بلوغ بشر را تمثیل می‌کرد و در واقع، مراسم باشکوهی را برگزار کرد که طی آن، مدیریت زمین و زنده‌گی از خدا به خلیفهٔ او تحویل داده شد: (وأمرهم شوری بینهم). قرآن پیامی بود که در این مراسم قرائت شد تا خطوط اساسی و کلی مرحلهٔ حاکمیت بشر بر سرنوشت خودش را ترسیم کند، مرحلهٔ بعثت و نبوت، خاتمه‌یافته اعلان شد، بر عصر رهبانیت و کهنوت دینی مهر پایان زده شد و بهترین رهبانیت در عصر خودمختاری بشر، تلاش و مجاهدت و زحمت در مسیر ترقی و تکامل بهتر زنده‌گی اعلان گردید: (رهبانیهٔ الاسلام الجهاد.)

بعد از پایان عصر نبوت، هرنوع تلاش برای تکرار تجربهٔ نبوت، در واقع تلاش در جهت برگرداندن بشر به عصر کودکی است و همان حماقتی را تمثیل می‌کند که از یک آدم بالغ و رشید بخواهیم تا کودکی کند و شیر بخورد و «پامپر» بزند! کسانی که بعد از مرگ حضرت محمد (ص) دعوای پیامبری کردند و یا می‌کنند، از لحاظ دینی با خود قرآن تکذیب می‌شوند و از لحاظ عقلی، همین کافی است که آنان بشر را باز به عصر رهبانیت و کهنوت سنتی نسخ شده ارجاع می‌دهند.

این نوع مدعیان را باید پیامبران دروغین نامید که از مسیلمه شروع تا هرکجا که رفت. اگر قرار بود که پیامبری در کار می‌بود، من بهتر از مولانای روم کسی را نمی‌بینم که هم پیام‌های انسانی و والا داشت و هم کتابش به حد اعجاز رسیده است، اما او هرگز این ساده‌گی را به خود راه نداد و به عقل و رسالت اصلاحی خود نخندید و امروز به حق او را «پیامبر عشق» نامیده‌اند که تعبیری مجازی از جایگاه بلند و شامخ او در عرصهٔ دانش و رسالت او است.

من در برخی از کارها و پیام‌های فرقه‌های دینی از قبیل جماعت احمدیه و بهایی‌ها، نشانه‌های وافر و بزرگی از رسالت انسانی نوع دوستانه و ضدخشونت و نزدیک به روح اسلام می‌بینم که خیلی زیبا و مطلوب است و به بزرگی و حرمت بانیان این آیین‌ها دلالت دارد، اما حیفم می‌آید که این بزرگان به نام پیامبر و از یک آدرس منسوخ به رسالت اصلاحی خود اقدام کردند و با این‌کار، هم به اعتبار خود لطمه زدند و هم جوهر پیام‌های انسانی قشنگ خود را ملتوی ساختند.

از روشن‌فکران این جریان‌ها انتظار می‌رود که به جای تأکید و استدلال بر کلیشهٔ نبوتی پیشوایان خود، پیام‌های آنان را در لفافه‌های معقول‌تَر و قابل هضم‌تر به جهان ارایه دهند و روح آن بزرگان را شاد سازند که حالا حتماً خودشان در عالم دیگر به عین حقیقت رسیده‌اند.

کشکول
جهان‌نما

نتانیاهو به مدت سه ساعت تحت بازجویی قرار گرفت

پولیس اسرائیل اعلام کرد که نخست‌وزیر این رژیم را به مدت سه ساعت در پروندهٔ "دریافت غیرقانونی هدیه از سرمایه‌داران" داخلی مورد بازجویی قرار داده است.

آن‌گونه که سخنگوی پولیس اسرائیل گفته است، این بازجویی در محل اقامت نتانیاهو در قدس انجام شده است.

سخنگوی پولیس اسرئیل در ادامه گفت که نمی‌تواند جزئیات بیشتری از بازجویی نخست‌وزیر در اختیار رسانه‌های بگذارد. این درحالی است که وزارت دادگستری گفته که روند بازجویی از نتانیاهو را بازجویانی از ادارهٔ موسوم به "لاهاف ٤٤٣" وابسته به پولیس اسرائیل که در زمینهٔ مبارزه با فساد تخصص دارد، انجام داده‌اند.

نخست‌وزیر اسرئیل متهم است که به شکل غیرقانونی از تجار و سرمایه‌داران در سرزمین‌های اشغالی فلسطین هدایا و امتیازاتی را دریافت کرده است.

وزارت دادگستری اسرائیل اعلام کرده: "نتانیاهو به ظن دریافت هدیه از سرمایه‌داران بازجویی شده است" که اولین تایید رسمی از سوی نهادهای قضایی اسرائیلی دربارهٔ این پرونده محسوب می‌شود.

این وزارت‌خانه اعلام کرد: برخی اطلاعاتی که به پولیس دربارهٔ اقدامات نتانیاهو رسیده است، از جمله این‌که او بلیط مسافرتی و هدایایی از برخی ثروت‌مندان اسرائیلی دریافت کرده، ظنی موجه ایجاد می‌کند، مبنی بر این‌که احتمال دارد، جرمی رخ داده باشد پس باید درباره آن تحقیق شود".

نتانیاهو پیشتر هرگونه دست داشتن در فساد را رد کرده است. براساس قانون اساسی اسرائیل، هریک از اعضای کابینهٔ این رژیم از جمله نخست‌وزیر، در صورتی که به شکل رسمی به فساد متهم شوند، باید از سمت خود استعفا دهند.

۴۰ هزار تن از مظنونان کودتای ترکیه هم‌چنان در بازداشت هستند

یک منبع در وزارت دادگستری ترکیه اعلام کرد که ٤٠ هزار تن از افراد دستگیر شده در پی کودتای نافرجام ١٥ جولای این کشور هم‌چنان در بازداشت هستند. در میان افراد بیش از ٦٠٠٠ سرباز و ٧٠٠٠ هزار مأمور پولیس دیده می‌شوند.

به نقل از خبرگزاری آناتولی، بیش از ٤٠ هزار مظنون به اتهام ارتباط با سازمان وابسته به فتح‌الله گولن (روحانی در تبعید و مخالف دولت ترکیه) پس از وقوع کودتای نافرجام ١٥ جولای هم‌چنان در بازداشتگاه‌ها هستند.

خبرگزاری آناتولی اعلام کرد که از زمان وقوع کودتا، ٤١ هزار و ٣٢٦ مظنون از جمله ٦٣٢٥ سرباز و بیش از ٧٠٠٠ پولیس در بازداشت به سر می‌برند.

هم‌چنین دادستان عمومی ترکیه اعلام کرده است که علیه ١٠٣ هزار و ٨٥٠ مظنون اقدام قضایی به جریان انداخته است که از میان این افراد ٤١ هزار و ٣٢٦ تن هنوز در بازداشت بوده، ٣٥ هزار و ٤٩٥ تن آزادی مشروط گرفته و ١٠ هزار و ٢٥٦ تن نیز بی‌گناه شناخته شده‌اند.

همچنین ٩٠٢ مظنون نیز دستگیر شده‌اند.

در راستای بازجویی‌ها و تحقیقات درباره گولنیست‌ها، حکم دستگیری ٥١٠٥ عضو "فتو" از جمله ١١٥ سرباز، ٢٢٣ پولیس و ٤٥٧١ تن از کارکنان دولتی صادر شده است.

مقامات ترکیه اعلام کرده‌اند که فتح‌الله گولن و سازمانش موسوم به فتو طراح اصلی کودتای ١٥ جولای هستند و خواستار استرداد او از دولت امریکا شده‌اند، اما واشنگتن تاکنون از استرداد او به ترکیه خودداری کرده است.

ممنوعیت تازه در برابر سیاست‌مداران هندی

دادگاه عالی هند، سیاست‌مداران این کشور را از استفاده از مذهب و طبقات اجتماعی برای جمع‌آوری رأی منع کرد؛ حکمی که احزاب سیاسی را مجبور به تغییر استراتژی‌شان در انتخابات قریب‌الوقوع می‌کند.

تی.اس تاکور، رییس دیوان عالی هند در حکمی گفت: هیچ سیاست‌مداری به اسم طبقهٔ اجتماعی، عقاید و یا مذهب نمی‌تواند رأی جمع کند. روند انتخابات باید روندی سکولار باشد.

هند رسماً سکولار است، اما احزاب سیاسی به طور سنتی از مذهب و طبقهٔ اجتماعی به عنوان معیار اصلی برای انتخاب نامزدها و جذب رأی‌دهنده‌گان استفاده می‌کنند.

حزب حاکم "بهاراتیا جاناتا" سال‌ها با یک برنامهٔ ناسیونالیست هندو در انتخابات مبارزه کردند و اعضای این حزب در گذشته به انتشار بیانیه‌های ضد مسلمانان برای قطبی کردن رأی‌دهنده‌گان هندو متهم شده‌اند.

این حکم دادگاه چند هفته پیش از برگزاری انتخابات ایالتی در "اوتار پرادش"، پرجمعیت‌ترین ایالت هند که دو مسألهٔ مذهب و طبقه اجتماعی به‌طور کلی بر کمپین‌های انتخاباتی سلطه دارند، صادر شد.

نتایج این انتخابات برای هدف احتمالی نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند برای دور دوم نخست‌وزیری در سال ٢٠١٩ بسیار مهم خواهد بود.

دادگاه عالی حکم خود را براساس دادخواست سیاست‌مداری در سال ١٩٩٦ میلادی صادر کرد که تأکید داشت صفات سکولار قانون اساسی باید حفظ شوند.

نظر کلی هفت قاضی دادگاه عالی هند این است که اگر سیاست‌مداران بر مبنای تمایلات مذهبی درخواست رأی کنند، انتخابات باید باطل شود.

ورزش

نوروز منگل از بازی در تیم کریکت افغانستان استعفا داد

نوروز منگل، از بازیکنان برجستهٔ تیم کریکت کشور، از بازی در مسابقات جهانی استعفا داد و به عنوان رییس کمیتهٔ گزینش ادارهٔ کریکت افغانستان تعیین شد.

او دیگر در مسابقات بین‌المللی عضویت تیم ملی کرکت افغانستان را ندارد و گفته می‌شود که نوروز منگل به عنوان رییس کمیته گزینش ادارهٔ کریکت افغانستان تعیین شد.

عاطف مشعل، رییس فدراسیون کریکت افغانستان روز گذشته در یک نشست خبری با قدردانی از عمل‌کرد نوروز منگل در بازی منگل در کریکت افغانستان طی ١٠ سال گذشته، او را به عنوان رییس کمیتهٔ گزینش بازیکنان تیم ملی کریکت افغانستان معرفی کرد.

گریزمان:

این‌قدر از من دربارهٔ آینده‌ام سؤال نپرسید!

مهاجم فرانسوی روخی بلانکو می‌گوید، از وضعیتش در این تیم راضی است اما شایعات فراوان دربارهٔ آینده‌اش او را خسته کرده است.

آنتوان گریزمان می‌گوید، از پاسخ‌دادن به سؤالات تکراری دربارهٔ آینده‌اش در حالی که از بازیکنانی مانند کریستیانو رونالدو و گرث بیل هرگز چنین سؤالاتی پرسیده نمی‌شود، ناراحت است.

گریزمان ٢٥ ساله که ماه جون سال ٢٠١٦ قراردادش را تا سال ٢٠٢١ با اتلتیکو مادرید تمدید کرد و با این حال، شایعاتی دربارهٔ خروجش از ویسنته کالدرون شنیده می‌شود، به تمایل خود برای آویران کردن کفش‌هایش در MLS اعتراف کرد.

او که در ٥٤ بازی‌اش برای اتلتیکو مادرید در تمامی رقابت‌های فصل گذشته ٣٢ گل زد در گفت‌وگو با نشریه آس، در پاسخ به این سؤال که آیا در اتلتیکو خواهد ماند، اظهار داشت: من این سؤال را دوست ندارم. در واقع هیچ‌یک از سؤالات این چنینی که درباره آینده‌ام هستند را دوست ندارم چون بازیکنانی مانند کریستیانو، مسی یا بیل هم مدام با این سؤال که سال آینده چه اتفاقی برای‌شان خواهد افتاد و کجا خواهند بود روبه رو نمی‌شوند. به همین دلیل من هم دوست ندارم این سؤال از من پرسیده شود. من از وضعیتم در اتلتیکو مادرید راضی‌ام، پس دیگر درباره آینده‌ام در این تیم از من سؤال نپرسید.

گریزمان افزود: من واقعاً از بودن در این تیم خوشحالم و از زندگی‌ام در اینجا لذت می‌برم. بازی کردن برای این هواداران و سیمئونه مایه افتخارات من است. می‌خواهم اعتماد و محبتی که آنها به من نشان می‌دهند را جبران کنم. می‌خواهم با گل‌هایم هواداران را خوشحال کنم.

گریزمان از ماه اکتبر تا کنون نتوانسته برای تیم تحت هدایت دیه‌گو سیمئونه گل بزند و این در حالی است که تیمش هم با ٩ امتیاز اختلاف نسبت به رئال مادرید صدرنشین در رده ششم جدول لالیگا قرار دارد.

◄ **مدیر مسؤول:** نظری پریانی – ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
nazari.paryani@yahoo.com
ویراستار : روح الله یوسف زاده
مدیر خبر : جمشید یما
گزارشگران: ناجیه نوری ، محمد هارون مجیدی، ابوبکر صدیق ، روح‌الله بهزاد و ننگیالی عثمانی
برگ آرایی: مجیب‌الله احمدی

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com **وب سایت:** www.mandegardaily.com
شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰
مسؤول توزیع: حبیب الله – ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸
نشانی: سرک ۱۳ وزیراکبرخان، کوچه چهارم دست چپ
به جز «سخن ماندگار» مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسنده‌گان برمی‌گردد.
چاپ: مطبعه امام – ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

Year 8 ❁ NO 1936 ❁ Wednesday 4 January 2017

DAILY
Mandegar

شورای امنیت بخواهد نخواهد حکمتیار می‌آید

مسوولان دفتر حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار می‌گویند که شورای امنیت سازمان ملل چه نام رهبر این حزب را از فهرست سیاه حذف کند چه نه، کابل به زودی میزبان گلبدین حکمتیار خواهد بود.

اخیراً گزارش‌هایی منتشر شده که روسیه مخالف حذف نام گلبدین حکمتیار از فهرست سیاه شورای امنیت سازمان ملل است. شماری از مقام‌های افغانستان و کشورهای غربی نیز به رسانه‌ها گفته‌اند که مقام‌های روسی با حذف نام حکمتیار از این فهرست مخالف اند.

اما محمد نادر افغان، عضو دفتر رسانه‌های حزب اسلامی به سلام‌وطندار می‌گوید، روسیه مخالف حذف نام رهبر حزب اسلامی از فهرست سیاه سازمان ملل نیست. به گفتهٔ آقای افغان، بر بنیاد تفاهم‌نامهٔ صلح حکومت با حزب اسلامی تحریم‌های شورای امنیت بر رهبر این حزب به زودی برداشته خواهد شد، اما برداشته هم اگر نشود، رهبر این حزب به کابل می‌آید.

آقای افغان می‌گوید، مقام‌های روسی حتا گفته اند که در رفع تحریم‌های حزب اسلامی همکاری خواهند کرد.

او تأکید می‌کند که تفاهم‌نامهٔ صلح حکومت و حزب اسلامی در حال اجرا است و فهرست نام‌های حدود ۲۵۰۰ زندانی این حزب برای آزادی به حکومت سپرده شده و کمیسیونی مشترک در این بخش کار می‌کند. افغان می‌گوید، این کمیسیون پرونده‌های این زندانیان را بررسی می‌کند که به جرایم جنایی و قاچاق مواد مخدر دست نداشته باشند.

به گفتهٔ او، به زودی یک گروه ۴۰۰ نفری عضو این حزب از زندان آزاد می‌شوند.

پیش از این شماری از اعضای شورای ملی و فعالان مدنی با ابراز نگرانی از ورود حکمتیار به افغانستان گفته بودند که زندانیان حزب اسلامی به دلیل جرم‌های جنایی و جرم‌های سنگین زندانی اند و نباید آزاد شوند. به گفتهٔ این فعالان، آزادی افراد این حزب مردم را به ترس می‌اندازد و سلامت جامعه را مختل خواهد کرد.

روابط بازرگانی کابل – تاشکند گسترش می‌یابد

حکومت افغانستان در مورد دومین نشست اقتصادی افغانستان – ازبیکستان گزارش داد. دو کشور توافق کرده‌اند که در بخش‌های تجارت، ترانزیت و انرژی همکاری‌های خود را گسترش دهند.

ازبیکستان همسایه شمالی افغانستان است ولی روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور پیش از این محدود بود. پس از آن که روابط تجارتی افغانستان – پاکستان در سایه تنش‌های سیاسی صدمه دید، افغانستان در تلاش بهبود روابط اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی، چین، ایران و سایر کشورهای منطقه برآمد.

همایون قیومی، مشاور ارشد رییس جمهور غنی در بخش زیربنا روز سه شنبه در کنفرانسی که در کابل برگزار شده بود گفت: «قرار است وزیر خارجه ازبیکستان به افغانستان سفر کند و پروتوکولی که ما امضا کردیم، به یک تفاهمنامه تبدیل شود و بالاخره منجر به یک توافقنامه عمومی در قسمت تجارت و ترانزیت می‌شود.»

سرک‌سازی

وزیر فواید عامه افغانستان در این کنفرانس گفت که قرار است ازبیکستان در بازسازی سرک های افغانستان همکاری کند. در جریان چهارده سال جنگ، سرک‌هایی که در سراسر این کشور ساخته شده، در نتیجه انفجار ماین‌ها و سایر عوامل تخریب شده است.

محمود بلیغ وزیر فواید عامه افغانستان گفت: «براساس پلان ما، قرار است تا پنج سال آینده، حدود دو هزار کیلومتر شبکه خط آهن در افغانستان ساخته شود. ما از ازبیکستان خواستیم که در ساخت آن سهم بگیرد و آن‌ها نیز اظهار علاقمندی کردند.» ازبیکستان در تامین مواد ساختمانی در عرصه سرک سازی نیز وعده‌هایی به افغانستان داده است.

سکتور انرژی

ازبیکستان دارای ذخایر غنی نفت و گاز است. در حال حاضر بیشتر گاز مورد نیاز افغانستان از طریق همین کشور تامین می‌شود. دو کشور در دومین نشست اقتصادی برسر ترانزیت انرژی از راه افغانستان به کشورهای آسیای جنوبی نیز بحث کرده‌اند.

امان الله غالب معین وزارت انرژی و آب در این کنفرانس گفت که قرار است ازبیکستان در بخش اعمار بندها و تولید برق از منابع داخلی افغانستان نیز سهم بگیرد: «یکی از مشکلات در سکتور انرژی، تجهیزات انرژی است که از کشورهای دیگر وارد می‌شود. ما می‌خواهیم فابریکاتی ایجاد شود که این تجهیزات را در داخل افغانستان تولید کند. ما ازبیکستان را تشویق کردیم که در داخل افغانستان این فابریکات را بسازند تا ما بتوانیم از آن‌ها تجهیزات برقی بخریم.»

یکی از نیازمندی‌های افغانستان، آموزش بهتر انجنیران در بخش انرژی است و در این مورد افغان‌ها خواستار آموزش نیروی انسانی در سکتور انرژی شده است.

در بخش زراعت نیز مقامات دو کشور باهم گفتگو کرده و وعده‌هایی در این قسمت داده شده است. اسد الله ضمیر وزیر زراعت و آبیاری گفت که ازبیکستان در عرصه تجارت محصولات زراعتی و حیوانی نیز همکاری خواهد کرد: «همکاری در بخش منابع طبیعی، احیای جنگلات، تکثیر نباتات شیرین بویه و سایر نباتات برای تحکیم سواحل، ابقای حیات وحش و ابقای حیات وحش مسایلی است که ما در مورد آن گفتگو کرده ایم.»

رهایی از زندان حمل و نقل

وزیر ترانسپورت افغانستان در این کنفرانس گفت که همکاری ازبیکستان در عرصه ترانسپورت برای افغانستان بسیار مهم است. محمدالله بتاش وزیر ترانسپورت و هواوردی گفت: «ما از زندان حمل و نقل که در گذشته وابسته به یک کشور همسایه بودیم، نجات پیدا می‌کنیم. با گذشت هر روز دهلیزهای جدید به رخ شرکت‌های ترانسپورتی و تجار ملی ما باز می‌شود. این واقعا یک صفحه جدید بود.»

تجارت با ازبیکستان نه تنها افغانستان را به منبع خوب و مطمین انرژی وصل می‌کند، بلکه این کشور می‌تواند تجارت خود با کشورهای دیگر آسیای مرکزی را نیز گسترش دهد. این امیدواری وجود دارد که با بهبود تجارت بین دو کشور، نرخ مواد نفتی در افغانستان کاهش یابد.

هیأت تحقیق:
حضور کودکان در صف نیروهای امنیتی دروغ است

بارها گزارش‌هایی منتشر شده بود که کودکان زیر سن ۱۸ سال در صف نیروهای امنیتی حضور دارند و این کودکان مورد آزار و اذیت جنسی از سوی بزرگ‌ترها استفاده می‌شوند. این گزارش‌ها سبب شد تا حکومت هیأتی متشکل از نماینده‌گان وزارت کار و امور اجتماعی، نهادهای امنیتی، دادستانی کل و کمیسیون حقوق بشر را برای بررسی این موضوع بگمارد.

این هیأت که به تمام ولایت‌های افغانستان سر زده است می‌گوید، حضور کودکان زیر سن ۱۸ سال در صفوف نیروهای امنیتی حقیقت ندارد.

محمدیونس هوتک، مشاور ریاست جمهوری در امور اقوام و قبایل و یکی از اعضای هیأت تحقیق می‌گوید، که این گزارش‌ها شایعات مخالفان بوده و چنین گزارش‌هایی نادرست اند.

عبدالله عابد، عضو کمیسیون حقوق بشر و یکی از اعضای دیگر این هیأت می‌گوید، در تمام ولایت‌های کشور تنها ۲۰ تن که ظاهراً سن‌شان کمتر از ۱۸ سال معلوم می‌شد، مشخص شدند.

اعضای این هیأت می‌گویند، مراکز آموزش‌های نظامی سال پیش در خواست‌های آنانی که زیر سن ۱۸ سال بوده‌اند را رد کرده و افزون بر این، درخواست شمولیت نزدیک به سه هزار تن از افرادی که به مواد مخدر معتاد اند و فعالیت کم فزیکی داشته‌اند را نیز رد کرده اند.